

شرط زیست‌محیطی مارتنس و حفاظت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه؛ با تأکید بر اصول پیش‌نویس ۲۰۱۹ کمیسیون حقوق بین‌الملل (مقاله علمی-پژوهشی)

حیدر پیری*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۶

چکیده

محیط‌زیست، قربانی خاموش مخاصمات مسلحانه در سراسر جهان است. مخاصمات مسلحانه، هر دلیل یا توجیهی که داشته باشد، خسارات چشمگیری بر محیط‌زیست وارد می‌کند. در این راستا حقوق بین‌الملل بشردوستانه در شمار معدودی از مقررات به حمایت از محیط‌زیست توجه کرده است. این مقررات با توجه به اینکه محدود به آسیب از نوع و مقیاس شدید، گسترده و بلندمدت است، مبهم و تنها حفاظتی ظاهری ارائه می‌دهد. مقررات حقوق بین‌الملل محیط‌زیست نیز که برای زمان صلح طراحی شده، به‌مثابه راه‌حل جایگزین به اندازه کافی به حمایت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه نپرداخته است. با توجه به ناکافی بودن مقررات و آستانه بسیار بالای اعمال آن‌ها و برای رفع خلأها و شفاف‌سازی معنا و دامنه حفاظت از محیط‌زیست، کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۱۳ موضوع حفاظت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه را در برنامه کاری خود قرار داد. شش سال بعد، کمیسیون، پیش‌نویس اصول حفاظت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه را به تصویب رساند و در اصل ۱۲ شرط مارتنس را در قالبی جدید بیان کرد. گنجاندن شرط زیست‌محیطی مارتنس نه تنها منعکس‌کننده نقش و جایگاه آن در حفاظت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه است، خلأهای ناشی از نبود قطعیت با تفسیر مجدد شرط مارتنس در این حوزه را نیز رفع می‌کند. نگارنده با تصور جهت‌دهی برای شرط مارتنس، بر این باور است که عملیاتی‌کردن شرط مارتنس در این حوزه که مفاهیم حقوق بشری را در خود گنجانده، با وجود سیاق نگارش مبهم و واردکردن چالش‌هایی بر اصل قطعیت حقوقی و قانونمندی، موجب ظهور و تسهیل وضع اصول و قواعد دیگری می‌شود که می‌تواند به حفاظت محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه منجر شود.

کلید واژگان:

شرط مارتنس، بشریت، وجدان عمومی، حمایت از محیط‌زیست، مخاصمه مسلحانه، خلأ و عدم قطعیت حقوقی.

* استادیار حقوق بین‌الملل عمومی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان.
H.piri@uok.ac.ir

مقدمه تحلیلی

در مخاصمات مسلحانه یکی از اولویت‌هایی که هیچ‌گاه به آن وقعی نهاده نشده، بحث حفاظت از محیط‌زیست است. مخاصمات مسلحانه خطرات و آسیب‌های ذاتی بر محیط‌زیست وارد می‌کند.^۱ آسیب‌های زیست‌محیطی در مخاصمات مسلحانه، در نتیجه حملات مستقیم یا به‌واسطه آسیب‌های جانبی، سابقه‌ای حداقل به اندازه خود درگیری‌های مسلحانه در مقیاس وسیع دارد. جنگ‌های دوران کلاسیک تا دوران مدرن، آثار خود را بر اجزای مختلف محیط‌زیست به طرق مختلف بر جای گذاشته‌اند. در جنگ پلوپونیز، یونانیان از تاکتیک زمین سوخته استفاده می‌کردند. استفاده از بمب اتم در هیروشیما و ناکازاکی، بمباران سدهای کره به دست آمریکا در دهه ۱۹۵۰، نابودی عمدی محیط‌زیست به‌مثابه تاکتیک نظامی نیروهای آمریکایی در جنگ ویتنام، اقدامات صربستان در بوسنی در دهه ۱۹۹۰، به آتش‌کشیدن تعداد بی‌شماری از چاه‌های نفت کویت در تجاوز عراق به کویت و بمباران هوایی ۷۸ روزه ناتو در مناقشه کوزوو، نمونه‌هایی از آسیب‌ها و تخریب محیط‌زیست با استفاده از ابزارها و تکنیک‌های جدید هستند.

برای قرن‌های متمادی، فرماندهان نظامی عمداً محیط‌زیست را هدف قرار داده و به دنبال کسب هرگونه مزیت احتمالی نسبت به دشمنان خود بوده‌اند؛ چراکه «از منظر هر بازیگر نظامی، تقریباً هر ابتکار مضر زیست‌محیطی، مبنای حقوقی ذهنی مقبولی را فراهم می‌کند.»^۲ با توجه به رشد روزافزون سلاح‌های با سطح تخریب وسیع و با توجه به عواملی نظیر پایداری، گستردگی و شدت صدمات وارده به محیط‌زیست در خلال درگیری‌های مسلحانه، بشر به ضرورت ایجاد محدودیت در ورود تخریب به محیط‌زیست طی درگیری‌های مسلحانه پی برده است. جامعه بین‌المللی در این باره تنها به ابراز نگرانی اکتفا نکرده و اقداماتی را صورت داده است که شاخص‌ترین آن‌ها کنوانسیون ۱۹۷۶ سازمان ملل در خصوص ممنوعیت استفاده نظامی یا هر نوع استفاده خصمانه دیگر از تکنیک‌های تغییردهنده محیط‌زیست (کنوانسیون انمود)^۳ است.^۴ بر

1. Bustami, Ammar; & Marie-Christine Hecken, "Perspectives for a New International Crime Against the Environment", *Goettingen Journal of International Law*, Vol.11, 2021, p.155.

2. Austin, Jay & Carl Bruch (eds.), *The Environmental Consequences of War: Legal, Economic, and Scientific Perspectives*, Cambridge, 2000, p.143.

3. Convention on the Prohibition of Military or any Hostile Use of Environmental Modification Techniques (ENMOD Convention), 1976.

۴. این کنوانسیون اساساً نه به آسیب به محیط‌زیست در درگیری‌های مسلحانه، بلکه به محافظت از محیط‌زیست در برابر استفاده از آن به‌مثابه سلاح می‌پردازد. راعی‌دهقی، هاجر و جواد نجفی، «حفاظت از محیط زیست در»

اساس ماده یکم کنوانسیون، کشورهای عضو متعهد می‌شوند تا در هیچ کاربری نظامی یا خصمانه که مستلزم استفاده از تکنیک‌های تغییردهنده محیط‌زیست باشد و موجب آسیب گسترده، پایدار و شدید به آن شود، شرکت نکنند.

در کنار مقررۀ فوق، فقط چند قاعدۀ محدود در حقوق بین‌الملل بشردوستانه وجود دارد که به‌طور مستقیم از محیط‌زیست در برابر صدمات ناشی از جنگ محافظت می‌کند. بر اساس بند یکم ماده ۵۵ پروتکل اول، «باید مراقب بود تا از محیط‌زیست طبیعی در برابر آسیب‌های گسترده، طولانی‌مدت و شدید محافظت شود.» بند ۳ ماده ۳۵ نیز «استفاده از شیوه‌ها یا وسایل جنگی که هدف از آن وارد آوردن خسارت شدید، گسترده و درازمدت بر محیط‌زیست طبیعی باشد یا احتمال می‌رود چنین تأثیراتی داشته باشد، ممنوع می‌شمارد.»^۱ سایر مقررات پروتکل اول، کنوانسیون چهارم ۱۹۰۷ لاهه و کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو،^۲ صرفاً می‌توانند از طریق ممنوعیت آسیب‌رساندن به محیط‌زیست و منافع مرتبط با آن به‌طور غیرمستقیم و به‌مثابه اموال غیرنظامی از محیط‌زیست محافظت کنند؛ هرچند در اصل با این هدف تدوین نشده‌اند. معدود مقررات فوق نیز به ممنوعیت آسیب از نوع و مقیاس شدید محدود می‌شود که تاکنون رخ نداده است.^۳ نتیجۀ آستانه بالا و مبهم برای توصیف آسیب، محدودیت چشمگیر دامنه ممنوعیت است. در خصوص حفظ و حمایت از محیط‌زیست در درگیری‌های مسلحانۀ غیر بین‌المللی و جنگ‌های داخلی با توجه به فقدان وجود معاهده‌ای خاص و سکوت پروتکل دوم الحاقی^۴، این خلأها و نقص‌ها بیشتر است. از سوی دیگر، موافقت‌نامه‌های چندجانبه زیست‌محیطی به‌ویژه منشور جهانی طبیعت^۵، بیانیه استکهلم^۶ و ریو^۷ منعقدشده در زمان صلح، به‌منزله یکی از راه‌حل‌های

→ **قبال خسارات ناشی از درگیری مسلحانه**»، فصلنامه علوم محیطی، دوره چهاردهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۵، ص ۱۴۳.

1. Protocol Additional I to the 1949 Geneva Conventions, 1977, art.35(3) & 55.

۲. ماده ۵۳ کنوانسیون چهارم ژنو محدودیت در تخریب محیط‌زیست را مگر در صورت وجود ضرورت‌های نظامی نمی‌پذیرد.

3. Henckaerts, J.M & D. Constantin, 'Protection of the Natural Environment', in A. Clapham & P. Gaeta (eds), *The Oxford Handbook of International Law in Armed Conflict*, 2014, p.468.

۴. پروتکل دوم ماده ۱۴، حفاظت از اشیای ضروری برای بقای مردم غیرنظامی و ماده ۱۵، حفاظت از تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک را به‌منزله مقررات قانونی حداقلی بیان می‌دارد.

5. World Charter of Nature, 1982.

6. Stockholm Declaration, 1972, Principles.21,26.

7. The Rio Declaration on Environment and development, 1972, Principle.24.

جایگزین^۱، برای ارتقای حمایت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه مطرح می‌شوند که به‌طور جزئی و محدود به حفاظت از محیط‌زیست طبیعی در درگیری‌های مسلحانه می‌پردازند. اتکا به چنین مقرراتی برای تضمین حفاظت از محیط‌زیست ایدئال نیست و مسلماً دامنه و عمق نگرانی‌های زیست‌محیطی معاصر را منعکس نمی‌کند.

علاوه بر این، به دلیل پیوند قوی حقوق بشر با حفاظت از محیط‌زیست، برخی از معاهدات حقوق بشری به‌طور غیرمستقیم در قالب حق حیات، حق بر مالکیت و حریم خصوصی، حق بر محیط‌زیست سالم و ... می‌توانند همچون محدودیت‌هایی بر مجموعه عملیات نظامی عمل کنند؛ جایی که غیرنظامیان تحت تأثیر قرار می‌گیرند.^۲ نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه در جزء چهارم بند ب (۲)، ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری^۳ که شامل انجام دادن اقداماتی است که به‌طور غیرمستقیم منجر به آسیب‌های گسترده، درازمدت و شدید به محیط‌زیست می‌شود، حمایت کیفری غیر آشکار از محیط‌زیست را در زمان مخاصمه مسلحانه فراهم می‌کند. همچنین، قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل^۴، اصول عرفی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و اصول کلی حقوق بین‌الملل بشردوستانه، همانند هر هدف غیرنظامی دیگری، از محیط‌زیست طبیعی حمایت نسبی می‌کند.^۵ در نهایت، توسعه تدریجی و شفاف‌سازی استانداردها از سوی کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه حمایت از محیط‌زیست، به‌ویژه پیش‌نویس اصول مربوط به حفاظت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه^۶ در سال ۲۰۱۹، گام مهمی در جهت یادآوری این موضوع به دولت‌هاست که محیط‌زیست می‌تواند قربانی مخاصمه شود و شرکت‌ها، بازیگران غیردولتی و دولت‌ها می‌توانند مسئول آسیب‌رساندن به محیط‌زیست باشند.

با وجود توسعه و پیشرفت‌های چشمگیر حفاظت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه در طول قرن گذشته، با توجه به آستانه بسیار بالای اعمال مواد ۳۵ و ۵۵ پروتکل اول الحاقی،

1. Sjostedt, B, *Protecting the Environment in Relation to Armed Conflict*, The Role of Multilateral Environmental Agreements, Lund University, 2016, p.309.

۲. ماده ۳، ۱۲ و ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، درجه بالایی برای حفاظت از محیط زیست فراهم می‌کنند.

3. Rome Statute of the International Criminal Court, 1998, Art. 8 (2) (b) (iv).

4. Resolution of General Assembly, 47/37, 1992 & Resolution of General Assembly, 56/4, 2001.

5. Vincze, Viola, "The Role of Customary Principles of International Humanitarian Law in Environmental Protection", *Pécs Journal of International and European Law*, Vol.2, 2017, pp.19-39, p.33.

6. Protection of the Environment in Relation to Armed Conflicts

کنوانسیون انمود و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که تنها در خصوص آسیب‌های «گسترده، طولانی‌مدت و شدید»^۱ به محیط‌زیست قابل اعمال است که به‌سختی در مخاصمات مسلحانه رخ می‌دهد^۲ و در اکثر مواقع خسارات زیست‌محیطی جدی خارج از این چارچوب اتفاق می‌افتد. این در حالی است که هیچ‌گونه حمایتی وجود ندارد. همچنین از آنجا که کنوانسیون انمود کاربرد بسیار محدودی برای اجرای جنگ‌های متعارف دارد و تنها به وضعیت خاص استفاده عمده از نیروهای محیط‌زیست به‌مثابه سلاح می‌پردازد و هیچ ارتباطی با بیشتر موارد آسیب‌های محیط‌زیست در زمان جنگ ندارد، حفاظت مستقیم و غیرمستقیم از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه، نه‌تنها کافی، مؤثر و رضایت‌بخش نیست، هم‌پوشانی حوزه‌های مکمل کاربردی حقوق بین‌الملل که چارچوب حقوقی حفاظت از محیط‌زیست را تشکیل می‌دهد،^۳ بخشی از پدیده عام چندپارگی در این حوزه از حقوق بین‌الملل را نشان می‌دهد.

در نتیجه، حقوق بین‌الملل موجود، در حال حاضر مبانی اخلاقی یا سیاسی برای یک رژیم حقوقی معتبر برای جلوگیری از آسیب‌های شدید زیست‌محیطی به‌مثابه یک اثر جانبی جنگ شدید یا تحمیل مسئولیت بر دولت‌هایی که در قالب یک تاکتیک عمده به جنگ محیطی متوسل می‌شوند، فراهم نمی‌کند. در چنین وضعیتی، رفع ابهامات و خلأهای موجود در مقررات حقوقی بسیار مشکل است. علاوه بر این، حفاظت نامطلوب از عناصر محیطی در قالب اشیای غیرنظامی به دلیل تغییر آسان این عناصر به اهداف نظامی و تردید در خصوص کاربرد عملی اصل تناسب نسبت به آسیب‌های زیست‌محیطی بر این خلأها و ابهامات افزوده است. لذا، اگر این مقررات چندپاره باقی بمانند و با وجود ابهام و خلأ در قوانین حفاظت از محیط‌زیست در درگیری‌های مسلحانه، و از آنجا که دستیابی به یک اجماع جهانی در قالب معاهده‌ای الزام‌آور در این حوزه با چالش‌های اساسی روبه‌روست یا حداقل در آینده نزدیک دور از دسترس می‌نماید،

1. widespread, longlasting or severe effects

2. Fleck, Dieter, "The Martens Clause and Environmental Protection in Relation to Armed Conflicts", *Goettingen Journal of International Law*, Vol.10, 2020, p.252.

۳. حمایت از محیط‌زیست در زمان مخاصمات مسلحانه، مسئله‌ای پیچیده است، زیرا اشخاصی که در مخاصمات شرکت می‌کنند، مشمول بیش از دو حوزه از حقوق بین‌الملل هستند؛ حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل کیفری به اندازه حقوق بین‌الملل بشردوستانه برای اجرای عملیات نظامی در زمان جنگ مناسب هستند. بنابراین، چهار مجموعه مکمل حقوق بین‌الملل چارچوب حقوقی حفاظت از محیط‌زیست را تشکیل می‌دهد.

این سؤال اصلی مطرح می‌شود که آیا امکان رفع خالها و ابهامات در رژیم حقوقی موجود با استفاده از شروط و قیود کلی حاکم بر مخاصمات مسلحانه یعنی شرط مارتنس^۱ وجود دارد؟ این تفکر زیربنای اساسی شرط مارتنس است. نویسنده با فرض پاسخ مثبت به سؤال فوق، به بررسی این امر ضروری می‌پردازد که چگونه می‌توان ابهامات و شکاف‌های موجود در قوانین اساسی جنگ را از درون، از طریق تفسیر مجدد شرط مارتنس و اصول کلی مندرج در آن (یعنی اصل بشریت و وجدان عمومی) رفع کرد.

برای تحلیل این سؤالات، ابتدا به ملاحظات زیست محیطی شرط مارتنس در مخاصمات مسلحانه نظری می‌افکنیم؛ سپس، پیامدهای حقوقی نهادینه کردن شرط زیست محیطی مارتنس در مخاصمات مسلحانه را در دکترین، اسناد و رویه قضایی بین‌المللی بررسی می‌کنیم. در نهایت، به‌طور خاص، چالش‌های اعمال شرط زیست محیطی مارتنس در مخاصمات مسلحانه تحلیل می‌شود و راه‌های پیشنهادی در مسیر پیش رو را بیان می‌کنیم.

۱. شرط مارتنس و حفاظت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه

شرط مارتنس ابتدا از سوی فردریش ون مارتنس در مقدمه کنوانسیون شماره دو لاهه در خصوص قوانین و عرف‌های جنگ زمینی ارائه شد. مطابق آن، «تا زمان تدوین مجموعه‌ای کامل از قوانین جنگ، در موارد غیر مصرح در مقررات، شخص انسان همچنان تحت حمایت اصول حقوق ملتها منتج از عرف رایج میان ملل متمدن، اصول بشریت و الزامات ناشی از وجدان عمومی باقی خواهد ماند.»^۲ این شرط و عناصر مقوم آن، در بسیاری از معاهدات حقوق بشردوستانه^۳ و اسناد حقوق بین‌الملل^۴ درج شده است. «از بین همه اجزای مختلف شرط

1. Martens Clause

2. Laws and Customs of War on Land (Hague IV), 1899, preamble.

۳. از جمله بند ۸ مقدمه کنوانسیون شماره ۴ لاهه ۱۹۰۷، پروتکل ۱۹۲۵ ژنو در خصوص ممنوعیت گازهای سمی، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷، مقدمه کنوانسیون ۱۹۸۰ ژنو در خصوص ممنوعیت برخی تسلیحات متعارف، مقدمه کنوانسیون ۱۹۹۷ اتاوا در خصوص ممنوعیت جامع مین‌های ضد نفر و کنوانسیون ۲۰۰۸ در خصوص ممنوعیت بمب‌های خوشه‌ای.

۴. بند دوم مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر، قطعنامه ۲۳ کنفرانس ۱۹۶۸ تهران راجع به حقوق بشر، منشور دادگاه‌های نظامی نورنبرگ و توکیو، قطعنامه ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در خصوص نسل‌زدایی، کنوانسیون سازمان ملل در خصوص اجرایی‌نبودن محدودیت‌های قانونی درباره جرائم جنگی و جنایات ←

مارتنس، سه عنصر ثابت در همه روایت‌ها وجود دارد: اصول حقوق بین‌الملل منتج از عرف‌های مستقر، اصول بشریت^۱ و الزامات ناشی از وجدان عمومی.^۲ و^۳ با توجه به ذهنی بودن این مفاهیم، زمینه برای تفاسیر متنوع با توجه به درک خاص هر فرد باز است. در مرحله کنونی توسعه جامعه بین‌المللی مناسب است که حفاظت از محیط‌زیست تحت هر سه منبع حمایتی مندرج در شرط مارتنس قرار گیرد.

۱.۱. ملاحظات زیست محیطی در شرط مارتنس (حقوق موجود)^۴

با ارزیابی اصول و قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه که پیوند غیرمستقیمی با حمایت از محیط‌زیست دارد، شرط مارتنس می‌تواند نقطه شروع ارزشمندی قلمداد شود. «شرط مارتنس به‌منزله مدخلی ممکن برای همه اقسام ملاحظات در حقوق بین‌الملل بشردوستانه از جمله جنبه‌های حفاظتی به‌طور مکرر مورد استناد قرار گرفته است.»^۵ این شرط به‌مثابه یک مقرر کلی و همه‌گیر، در وضعیت‌هایی که قوانین جنگ ناقص هستند، از طریق ملزم و متعهد کردن همه طرف‌های درگیر در قوانین بشریت و ندای وجدان عمومی حمایت و محافظت‌هایی فراهم می‌کند. به دلیل همین واژگان بسیار گسترده، کاسه آن را «اسطوره حقوقی معاصر» نام‌گذاری کرد.^۶

در تفاسیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بر پروتکل اول الحاقی اشاره شده که یکی از جنبه‌های پویا از شرط مارتنس، تصدیق بر کاربست اصول و قواعد حقوق بشردوستانه بر وضعیت‌های جدید یا تحولات در فناوری است؛ زمانی که به آن‌ها به‌طور خاص در حقوق معاهده‌ای توجه نشده است. همچنین، از آنجا که تدوین جامعی از حقوق بین‌الملل بشردوستانه صورت نگرفته است، شرط مارتنس مانع پذیرش این فرض است که هر وسیله یا روش جنگی

→ علیه بشریت، بیانیه افتتاحیه دادستانی دادگاه نظامی آمریکا در نورنبرگ ۲۹ سپتامبر ۱۹۴۷ و پیش‌نویس مجموعه جرائم علیه صلح و امنیت نوع بشر ۱۹۵.

1. Laws of Humanity

2. Dictates of the public conscience

۳. دهقانی، پریسا و محمدحسین رضانی قوام‌آبادی و محمدرضا علی‌پور، «مدخل‌های ورود و کارکردهای

شرط مارتنس در حقوق بین‌الملل کیفری»، مجله پژوهش حقوق کیفری، شماره ۳۵، ۱۴۰۰، ص ۲۲۰.

4. Lex/De lege lata

5. Tarasofsky, Richard, "Legal Protection of the Environment During International Armed Conflict", *Netherlands Yearbook of International Law*, Vol. 24, 1993, p.47.

6. Cassese, Antonio, "The Martens Clause: Half a Load or Simply Pie in the Sky?", *European Journal of International Law*, Vol.11(1), 2000, p.187.

که صراحتاً در معاهدات مربوطه ممنوع نشده باشد، مجاز است.^۱ به بیانی دیگر، هر چیزی که صراحتاً به وسیله معاهدات ممنوع نشده، به خودی خود مجاز تلقی نمی‌شود.

شرط مارتنس را باید با در نظر گرفتن خواسته‌های نشست‌گرفته از بشریت که وجدان عمومی آن‌ها را بیان می‌کند، تفسیر کرد. با ترسیم موارد فوق در حفاظت از محیط‌زیست می‌توان نتیجه گرفت که شرط مارتنس حاوی اصول مستقلی است که می‌تواند با ایجاد محدوده‌ای بین ملاحظات نظامی و ممنوعیت اقدامات خصمانه (توسل به روش‌ها و ابزارهای جنگی) که فراتر از درجه لازم برای دستیابی به یک مزیت نظامی قطعی (غلبه بر دشمن) است، به حفاظت محیط‌زیست کمک کند. در حقوق بین‌الملل مدرن، دلیلی وجود ندارد که ندای وجدان عمومی و اصل بشریت شامل حفاظت از محیط‌زیست نباشد. نگرانی‌های بین‌المللی در خصوص محیط‌زیست تصریح شده در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست منجر به تبدیل مقوله حمایت محیط‌زیست به عاملی شده که باید نظامیان در تعیین ابزارها و روش‌های جنگ در نظر بگیرند.^۲ با سکوت حقوق بین‌الملل بشردوستانه در یک موضوع خاص، شرط مارتنس با عمل در نقش پشتیبان، تضمین می‌کند که دیگر منابع حقوق بین‌الملل از محیط‌زیست طبیعی محافظت کنند.

از آنجا که تحولات حقوقی مدرن و افزایش آگاهی و وجدان جامعه جهانی معاصر، هنوز به مقررات قانوناً الزام‌آور تبدیل نشده است، در این میان، مؤثرترین محدودیت بر مخاصمات را می‌توان از طریق حفاظت غیرمستقیم در چارچوب شرط مارتنس به دست آورد. اصل حفاظت غیرمستقیم از محیط طبیعی در زمان مخاصمات مسلحانه، اصل بشریت است که ممنوعیت ابزارها و روش‌های جنگی غیرانسانی را مقرر می‌دارد و معمولاً درباره رنج‌های بشری اعمال می‌شود. این اصل از لحاظ مفهومی و به‌طور تعقلی می‌تواند راهی برای گسترش و توسعه حفاظت از محیط‌زیست باشد. اصل بشریت به نگرش بشریت در قبال حیات، سلامت و عزت افراد مغلوب به‌مثابه بخشی از نوع بشر و برابر با افراد پیروز، در برابر اعمال ذاتاً نادرست حمایت می‌کند.

1. ICRC commentary (1987) to Additional Protocol I, paras.2,55; ICRC commentary to the Geneva Convention I, 2016, para.3297.

۲. الیزابت ماروما مرما، کارل براش و جوردن دایاموند، *حمایت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق بین‌الملل*، ترجمه سیدعلی حسینی آزاد و مهرداد محمدی، انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۳، ص ۱۵۵.

با توجه با اینکه کارکرد چنین اصولی خدمت ویژه به نوع بشر است، محیط‌زیست، تحت حمایت اصول بشریت باقی می‌ماند. پیوند ذاتی بین استاندارد حداقلی کرامت انسانی و محیط‌زیست یا بقای مردم و محیطی که در آن زندگی می‌کند، به شیوه‌های مختلفی به رسمیت شناخته شده است. دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی سلاح‌های هسته‌ای بیان داشت: «محیط‌زیست، موضوعی انتزاعی نیست، بلکه نمایانگر فضای زندگی، کیفیت حیات و سلامت انسان‌ها از جمله نسل‌های متولد نشده است.»^۱ به‌طور مشابه، تعاریف مدرن از محیط‌زیست، بین محیط‌زیست و فعالیت‌های انسانی یک مرز دقیق ترسیم نمی‌کند، بلکه تعاریفی را تشویق می‌کند که شامل اجزای هر دو باشد.^۲ علاوه بر این، حفظ محیط‌زیست برای حفاظت از یکپارچگی شرط مارتنس مناسب است.

عبارت اصول بشریت را می‌توان برای ارجاع به استانداردهای بشردوستانه کلی در نظر گرفت که نه‌تنها در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، در حقوق بین‌الملل بشر نیز یافت می‌شود که حفاظت‌های مهمی از محیط‌زیست ارائه می‌دهد. لذا، اصل بشریت حکم می‌کند که از تحمیل درد و رنج و آسیب یا تخریب غیرضروری که برای نائل‌شدن به اهداف نظامی مشروع ضروری نیست، اجتناب شود. اصل بشریت همچنین می‌تواند به شکلی تفسیر شود که تعهد به تضمین این موضوع را در بر بگیرد که خسارات زیست‌محیطی ناشی از جنگ نباید به حدی باشد که باعث درد و رنج بی‌مورد جمعیت انسانی شود. چندان‌که از این اصل برمی‌آید، اعمالی همچون مسموم‌سازی آب‌چاه‌ها، آتش‌زدن مزارع، تخریب اراضی کشاورزی و منابع جنگلی که برای بقای یک جمعیت ضروری هستند، روش‌های جنگی غیرانسانی به‌شمار می‌آیند. بسط‌دادن این اصل به‌منظور در بر گرفتن ملاحظات زیست‌محیطی تلاشی است در جهت توسعه اصل انسانیت و وجدان عمومی در غیاب حقوق معاهده‌ای خاص که حامی محیط‌زیست باشد.^۳ شرط مارتنس از متخاصمین می‌خواهد که به شیوه متمدانه و انسانی رفتار کنند. در صورت نبود این شرط و تداوم خلأهای موجود در حقوق مخاصمات مسلحانه، تخریب گسترده، رفتارهای غیرانسانی، دامن‌زدن به انتقام‌جویی و ایجاد یک دور مداوم در رفتارهای غیرانسانی به‌شدت فراگیر می‌شوند. شرط

1. ICJ Reports, Legality of the Use or Threat of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, 1996, p.241.

2. ILC, Report of the International Law Commission on the Work of the Seventy-First Session, August 2019, p.80.

3. الیزابت ماروما مرما، کارل براش و جوردن دایاموند، پیشین، صص ۴۳-۴۴.

مارتنس از همه اطراف درگیری می‌خواهد اعمالی را انجام دهند که منطبق با اصول انسانیت و رحم و شفقت باشد؛ حتی اگر چنین اعمالی صراحتاً ممنوع نشده باشند.^۱

اصل بشریت، با ارتقای مفهوم بوم‌محور، می‌تواند بر حمایت از برخی عناصر خاص محیط‌زیست طبیعی توسعه یابد. این اصل همچنین ممکن است در قالب راهی محتمل برای حقوق بشر سبز (مانند حق بر محیط‌زیست سالم یا حق بر منابع طبیعی) به حقوق بین‌الملل بشردوستانه سرازیر شود. البته، اصطلاح «اصول بشریت» برای نائل شدن به هدف، مبهم است. با این حال، ندای وجدان عمومی در اینجا بیشتر اهمیت دارد، زیرا مسئولیت مربوط به نسل‌های آینده را به دنبال دارد که شامل نگرانی زیست‌محیطی در مخاصمات مسلحانه می‌شود. ندای وجدان عمومی به‌طور فزاینده‌ای به‌گونه‌ای تفسیر شده است که نگرانی‌های زیست‌محیطی را نیز در بر گیرد. در واقع، در طول چهل و پنج سال گذشته، با افزایش نگرانی‌های بین‌المللی برای حفاظت از محیط‌زیست طبیعی، ضرورت تضمین چنین حفاظتی در زمان درگیری‌های مسلحانه از حمایت بیشتری برخوردار شده است. شایان ذکر است که بیانیه استکهلم (اصل ۲۱ و ۲۶)، منشور جهانی طبیعت (بند ۵)، بیانیه ریو (اصل ۲۴) و قطعنامه‌های شماره ۴۷/۳۷ و ۵۶/۴ مجمع عمومی بر چنین حفاظتی در زمان درگیری‌های مسلحانه تأکید کرده‌اند.

رجوع و اشاره به ندای وجدان عمومی، بر اهمیت قرائت تکاملی قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه تأکید می‌کند. اگر حقوق بشردوستانه موضوعه، حفاظت از محیط‌زیست را فقط به‌طور جزئی و ابتدایی پیش‌بینی کرده باشد، ندای وجدان عمومی مندرج در شرط مارتنس می‌تواند خلأها را رفع کند؛ چراکه نه تنها دکتین بر این امر تصریح دارند،^۲ در بیانیه‌های مکتوب دولت‌ها نیز شرط مارتنس دلیلی بر غیرقانونی بودن سلاح‌های هسته‌ای عنوان شده بود.^۳ دیوان نیز شرط مارتنس را تأییدکننده این امر دانست که اصول و قواعد حقوق بشردوستانه در خصوص سلاح‌های هسته‌ای اعمال می‌شود.^۴ این اظهار دیوان نشان می‌دهد که حفاظت و حمایت از

۱. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه*، تهران، کتابخانه گنج دانش با همکاری کمیته

بین‌المللی صلیب سرخ، ۱۳۹۲، صص ۱۱۰-۱۰۹.

2. Sands, Philippe, *Principles of International Environmental Law*, 2nd edition, Cambridge University Press, 2003, p.311; Hulme, Karen, "Armed Conflict, Wanton Ecological Devastation and Scorched Earth Policies", *Journal of Armed Conflict Law*, Vol.2, 1997, p.25.

3. Von Bernstorff, Op. cit., p.12.

4. ICJ Reports, Op. cit., para.87.

محیط‌زیست نیازمند تصدیق مجدد اعلانی چارچوب حفاظت از محیط‌زیست است که پیش از این وجود دارد.

اصل بشریت و وجدان عمومی، نه تنها کمک ارزشمندی در تفسیر مقررات حقوق بشر دوستانه فراهم می‌کند، تأثیرات انکارناپذیری نیز بر سیاست‌گذاران و حتی عموم مردم دارد. از دو اصل منتج از شرط مارتنس، ندای وجدان عمومی دارای بیشترین ظرفیت در عصر حاضر است. این اصل با ایجاد محدودیت‌هایی در مخاصمات مسلحانه، مانع آسیب‌رسیدن به محیط‌زیست می‌شود تا زمانی که قواعد بین‌المللی خاص در این خصوص تدوین شود. این بخش از شرط مارتنس مفهوم وجدان زیست‌محیطی را در بردارد.

گاهی اوقات جامعه می‌تواند نظرات جمعی خود را چنان قوی احساس کند که استانداردهای رفتاری مقبول و غیر آن در هر زمان معین کاملاً روشن باشد. برای مثال، نگرش عمومی جهانی در قبال سلاح‌های هسته‌ای را در نظر بگیرید که در بیشتر وضعیت‌ها به‌وضوح مخالف استفاده از این نوع از سلاح‌ها است. شرط مارتنس، از طریق ندای وجدان عمومی با جواز اصطلاحات واضح برای شکل‌گیری تعهدات حقوقی طرفین درگیر در مخاصمه مسلحانه در جایی که هیچ قاعده حقوقی بین‌المللی دیگری وجود ندارد، به بشریت خدمت می‌کند. به این ترتیب، نقش بالقوه شرط مارتنس در حفاظت از محیط‌زیست، با توجه به رشد وجدان جهانی زیست‌محیطی که از دهه ۱۹۷۰ به بعد ظاهر شد، بسیار امیدوارکننده است. بنابراین، تردیدی درباره تقویت و ارتقای وجدان عمومی جهانی در خصوص مشکلات زیست‌محیطی وجود ندارد. تعداد روزافزون قطعنامه‌ها، اعلامیه‌ها و معاهدات مربوط به محیط‌زیست در سطح محلی، منطقه‌ای و جهانی نشان می‌دهد که وجدان عمومی جهانی برخلاف تمایل دولت‌ها به محدودیت، متمایل به گسترش دامنه اقدامات حقوقی برای حفاظت از محیط‌زیست است. در حقیقت، «وجدان محیط‌زیستی جهانی در خصوص حفاظت از محیط‌زیست روبه رشد است. این امر وابستگی متقابل محیط با بقای بشر و در نهایت ارزش ذاتی محیط به‌خودی‌خود را به رسمیت شناخته است.»^۱ بنابراین، شواهد محکمی وجود دارد که نشان می‌دهد ندای وجدان عمومی تکامل یافته تا در همه زمان‌ها به‌نحو مطلوب‌تری از محیط‌زیست حفاظت کند. در واقع، «حمایت آشکار دکترین و اظهارات شفاهی

1. Hulme, K., "Taking Care to Protect the Environment against Damage: A Meaningless Obligation?" *International Review of the Red Cross*, Vol.9, 2010, p.51.

شمار زیادی از دولت‌ها به دیوان در نظر مشورتی سلاح‌های هسته‌ای، همگی وجود و ماهیت الزام‌آور قواعد مندرج در شرط مارتنس را در خصوص آسیب‌ها و خسارات زیست‌محیطی ناشی از چنین سلاح‌هایی به رسمیت شناخته‌اند.^۱ در نتیجه، فقد مقرر قانونی در پروتکل دوم الحاقی و مقررات ناکافی در پروتکل الحاقی اول در خصوص حمایت از محیط‌زیست، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ معتقد است که اعتبار شرط مارتنس در خصوص حمایت از محیط‌زیست در مخاصمه مسلحانه انکارناپذیر است.^۲

۱.۲. شرط مارتنس و حقوق مطلوب (آرمانی)^۳ محیط‌زیست

به‌جای تفسیر شرط مارتنس برای در بر گرفتن محیط‌زیست، سایر محققان اصلاحیه‌ای را که به‌طور خاص شامل مفاهیم مربوط به حفاظت از محیط‌زیست باشد، ضروری می‌دانند. این گروه، یک مقررۀ انعطاف‌پذیر شبیه شرط مارتنس برای بهبود و تقویت طبیعت در طول مخاصمه مسلحانه را مفید می‌دانند. در پیش‌نویس کنوانسیون پنجم ژنو برای حفاظت محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه، گروهی از کارشناسان مقررهای را توصیه کردند که در وضعیت‌های خارج از پوشش کنوانسیون، محیط‌زیست تحت حمایت اصول منتج‌شده از عرف مستقر، اصول بشریت و ندای وجدان عمومی باقی می‌ماند.^۴ پیش از این نیز هیئتی از متخصصان حقوقی در سال ۱۹۹۱ خواستار تهیه یک مقررۀ مشابه بودند.^۵ دستورالعمل کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در خصوص حمایت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه ۱۹۹۴ مقرر داشت: «در مواردی که تحت شمول معاهدات بین‌المللی قرار نمی‌گیرد، محیط‌زیست تحت حمایت و اقتدار اصول حقوق بین‌الملل برگرفته از عرف مستقر، اصول بشریت و ندای وجدان عمومی باقی می‌ماند.»^۶

1. Smith, Tara, "Challenges in identifying binding Martens Clause Rules from the 'Dictates of the Public Conscience' to Protect the Environment in Non-international Armed Conflict", *Transnational Legal Theory*, 2019, p.15.

2. ICRC, 'Protection of the Environment in Time of Armed Conflict: Report Submitted by the ICRC to the 48th Session of the United Nations General Assembly', 1993.

3. De lege ferenda

4. Plant, Glen, *Environmental Protection and the Law of War: A 'Fifth Geneva' Convention on the Protection of the Environment in Time of Armed Conflict*, Belhaven Press, London, 1992, p.43.

5. Tarasofsky, Op. cit., p.35.

6. ICRC, 1994, guideline 7

کنگره جهانی حفاظت از محیط‌زیست که در سال ۲۰۰۰ تحت نظارت اتحادیه بین‌المللی حفاظت از محیط‌زیست^۱ در عمان برگزار شد، قیدی مشابه را پذیرفت: «تا زمان تصویب قواعد بین‌المللی کامل حمایت از محیط‌زیست، در مواردی که تحت پوشش موافقت‌نامه‌ها و مقررات بین‌المللی قرار نمی‌گیرد، حوزه محیط‌زیست (زیست‌کره) و همه عناصر و فرایندهای تشکیل‌دهنده آن همچنان تحت حمایت و اقتدار اصول حقوق بین‌الملل برگرفته از عرف مستقر، ندای وجدان عمومی و اصول و ارزش‌های بنیادین بشریت که به‌مثابه مباشر نسل‌های حال و آینده عمل می‌کنند، باقی می‌مانند.»^۲ این دستورالعمل از کلیه کشورهای عضو سازمان ملل می‌خواهد در صورت موجود نبودن مقررات عرفی یا معاهده‌ای خاص، دولت‌ها سیاستی اتخاذ کنند که استاندارد حداقلی برای حفاظت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه باشد. این حداقل استاندارد همان مقرر مندرج در شرط مارتنس است. در واقع، زبان دستورالعمل از شرط مارتنس گرفته شده است.

کمیسیون حقوق بین‌الملل در پیش‌نویس اصول مربوط به حفاظت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه^۳، در اصل ۱۲ شرط مارتنس را در قالبی نو ارائه کرد که مطابق آن، «در خصوص حفاظت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه، در وضعیت‌هایی که تحت پوشش موافقت‌نامه بین‌المللی قرار نگرفته، محیط‌زیست تحت حمایت و اقتدار اصول حقوق بین‌الملل برگرفته از عرف مستقر، اصول بشریت و ندای وجدان عمومی باقی خواهد ماند.»^۴ کمیسیون حقوق بین‌الملل همچنین در تفاسیر خود بر قانون استفاده به‌جز کشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی و پیش‌نویس مواد راجع به سفره‌های آب زیرزمینی فرامرزی به شرط مارتنس در زمینه حفاظت از محیط‌زیست اشاره کرده است.^۴

شرط جدید زیست‌محیطی مارتنس که در زمان صلح و مخاصمه اعمال‌شدنی است، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا قواعد بین‌المللی موجود که در مخاصمات مسلحانه اعمال می‌شود، فقط چند اصل محدود با هدف حمایت از محیط‌زیست را در بر دارند. علاوه بر این، حقوق محیط‌زیست خارج از سیاق درگیری‌های مسلحانه خلأهای بسیاری دارد؛ مانند شرط اصلی مارتنس، شرط

1. International Union for Conservation of Nature (IUCN)

2. International Union for Conservation of Nature, A Marten's Clause for environmental protection, World Conservation Congress, October 2001, Resolution 2.97.

3. ILC, August 2019, Op. cit., p.247.

4. Yearbook of international law commission, 1994, Vol.II, p.131; YILC, 2008, Vol.II, p.43.

جدید منعکس‌کننده نیاز به اقدامات مناسب در سطح ملی و بین‌المللی، فردی و جمعی، خصوصی و عمومی، برای اطمینان از بقای انسان در برابر پیامدهای زیست‌محیطی فعالیت‌های مخرب انسانی است.

اصول مرتبط با محیط‌زیست که می‌تواند منشأ تعهد باشد، شامل تکلیف به جلوگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی و اصل احتیاط است. اسناد فوق با فراخواندن اعمال حداقل استاندارد در زمان صلح و مخاصمات، این واقعیت را نشان می‌دهد که بیشترین آسیب‌های زیست‌محیطی در نتیجه فعالیت‌های روزانه انسان از انتشار گازهای صنعتی تا دفع زباله‌های خانگی رخ می‌دهد. اکنون از دولت‌ها می‌خواهد که پاسخ‌های خود به این آسیب‌ها را بر مبنای حداقل استاندارد بین‌المللی منتج‌شده از اصول حقوق بین‌الملل، قوانین بشریت و ندای وجدان عمومی استوار کنند. عضویت تقریباً جهانی کشورها و همچنین سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد در اتحادیه بین‌المللی حفاظت از محیط‌زیست باعث شده تا برخی از دکترین به این نتیجه برسند که «این قید در حال حاضر نیز بخشی از قواعد امره حقوق بین‌الملل»^۱ است. البته، به‌زعم ما به نظر می‌رسد این نتیجه‌گیری نسبتاً شتاب‌زده و نسنجیده است.

۲. پیامدهای حقوقی نهادینه کردن شرط زیست‌محیطی مارتنس در مخاصمات مسلحانه

برخی رویکردها در ادبیات حقوقی وجود دارند که برای تجهیز شرط مارتنس با معنای واقعی حفاظت از محیط‌زیست خاص خود طراحی شده‌اند. یکی از تفاسیر، منبع الزامی حقوق طبیعی است که خلأهای موجود در حقوق را رفع می‌کند. تفسیر دیگر، شرط مارتنس در نقش یک راهنمای هرمنوتیک در ساحت هنجاری قواعد بین‌المللی در وضعیت‌هایی عمل می‌کند که قواعد حقوقی، مبهم یا نامشخص هستند. برخی نویسندگان شرط مارتنس را منبع مستقل در کنار ماده ۳۸ اساسنامه دیوان در نظر می‌گیرند.^۳ این رویکرد دیدگاه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی^۴ سابق بود؛ مبنی بر اینکه شرط مارتنس، حتی در غیاب هرگونه رویه دولتی، رأی راسخ دولت‌ها^۵

1. Peremptory international *ius cogens*

2. Al-Duaij, Nada, *Environmental Law of Armed Conflict*, Transnational Publishers, New York, 2004, p.113.

3. Vöneky, Silja, *The Applicability of Peacetime Environmental Law in International Armed Conflicts*, Springer, Berlin, 2001, p.71.

4. International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia (ICTY)

5. *Opinio Juris*

را به منع مستقل در حقوق بین‌الملل بشردوستانه ارتقا می‌دهد. رویکرد دیگر، خوانش این شرط به‌منزله «یک عنصر پویاست که به ما اجازه می‌دهد حقوق بشردوستانه در پرتو تحولات جدید تفسیر شود.»^۱

بر اساس این رویکردها، شرط مارتنس همچون یک قاعده عمل می‌کند که به‌نوبه خود نه‌تنها مانع استفاده از وضعیت‌هایی در درگیری‌های مسلحانه می‌شود که عمداً از محیط‌زیست به‌مثابه سلاح استفاده می‌شود، روش‌ها یا وسایل جنگی نیز باید با توجه دقیق به حمایت از محیط‌زیست به کار گرفته شوند. استفاده از آن‌ها به‌منظور وادار ساختن یا احتمال وارد آوردن خسارات گسترده، بلندمدت و شدید به محیط‌زیست طبیعی ممنوع است؛ چراکه در نتیجه این عمل نه‌تنها عرف بین‌المللی، اصول بشریت و ندای وجدان عمومی نقض می‌شود، سلامتی و بقای جمعیت و افراد غیرنظامی نیز دچار مخاطره خواهد شد. بنابراین، اهمیت اساسی شرط مارتنس در فراهم کردن استاندارد حقوقی حداقلی حاکم بر رفتار همه اشخاص در زمان مخاصمات مسلحانه در نبود مقررات معاهده‌ای است. در واقع، شرط مارتنس یک دامنه و گستره پویا به حقوق بشردوستانه وارد کرده که محدود به زمان خاصی نیست و اصول اساسی را فراتر از آنچه معاهدات مکتوب مقرر می‌دارند، فراهم می‌کند. این شرط، اگر منافع مشترک بشریت اقتضا کند، به‌طور مداوم و پیوسته جوازی بر گسترش هنجارهاست. در واقع، این مفهوم به هدف بنیادین حقوق بشردوستانه، یعنی حفظ بشریت پاسخ می‌دهد. البته، شرط مارتنس به‌طور خودکار به زمان صلح و وضعیت‌های پس‌امخاصمه توسعه نمی‌یابد، بلکه تنها در زمانی که ضرورت ایجاب کند، در تفسیر و اعمال حقوق بین‌الملل به کار می‌رود. همچنین، در اجرا و هدایت مجموعه عملیات نظامی، برای پیشگیری و به حداقل رساندن آسیب‌های اتفاقی به محیط‌زیست، مطابق شرط مارتنس باید همه اقدامات احتیاطی ممکن اتخاذ شود. در نهایت، شرط مارتنس می‌تواند با توجه به نگرانی‌های معاصر برای محیط‌زیست و تقویت مسئولیت در قبال نسل‌های آینده تعبیر و درک شود. یک قدم جلوتر در چنین تفسیر پویایی استنباط استانداردهای رفتاری مناسب و اصول حقوقی نرم پذیرفته شده؛ از جمله تعهد به آسیب‌نرساندن به محیط‌زیست، اصل تناسب یا حتی اصل احتیاط، از قید وجدان عمومی است. در نتیجه، شروع حمله علیه یک هدف نظامی که انتظار

1. Von Bernstorff, Jochen, "Martens Clause" in: *Max Planck Encyclopedia of Public International Law*, 2009, p.13.

می‌رود در خصوص مزیت نظامی مستقیم پیش‌بینی شده، باعث خسارت بیش از حد شود، ممنوع است. همچنین، باید در نظر داشت که در صورت تردید درباره اینکه آیا تعهد قانونی از قبل موجود، وجود دارد، اعمال شرط مارتنس منجر به عمل داوطلبانه برای دستیابی به چنین هدفی می‌شود. شرط مارتنس برای انجام دادن اقدامات احتیاطی و پیشگیرانه برای حفاظت از محیط‌زیست در زمان مخاصمات مسلحانه، اهمیت ویژه‌ای دارد. این امر را نه تنها می‌توان در خصوص مسائل مربوط به تناسب در حملات اعمال کرد، در خصوص اقدامات لازم و ضروری برای برنامه‌ریزی و انجام دادن عملیات نظامی نیز صدق می‌کند. آسیب‌های زیست‌محیطی باید به حداقل برسد تا زمانی که هدف غیرنظامی باشد. شرط مارتنس می‌تواند و باید در تفسیر و اعمال چنین اصولی به کار رود. استانداردهای تناسب در حقوق معاهده‌ای به‌وضوح تعریف نشده‌اند و ممکن است اقدامات احتیاطی مختلفی هنگام حمله انجام شود. بنابراین، اگر به مقتضیات بشریت و ندای وجدان عمومی مندرج در شرط مارتنس به‌درستی توجه شود، نقش پیشگیری و اقدامات احتیاطی نه تنها بهتر درک می‌شود، بهتر نیز به کار می‌رود. برنامه‌ریزان و فرماندهان نظامی که از شرط مارتنس استفاده می‌کنند، آمادگی بیشتری برای انجام دادن اقدامات مسئولانه خواهند داشت.

استفاده موفقیت‌آمیز از شرط مارتنس به رفع خلأهای موجود در حقوق معاهده‌ای، بدون ایجاد تعهدات معاهده‌ای جدید کمک می‌کند. نباید فراموش کرد که برنامه‌ریزان نظامی، فرماندهان و سربازان همه مخاطب شرط مارتنس هستند. این افراد هستند که باید اقدامات خلاف اصول بشریت و ندای وجدان عمومی را کنار بگذارند یا اقدامات احتیاطی لازم را برای اجتناب از آن‌ها انجام دهند. فعل یا ترک فعلی که به این ترتیب انجام می‌شود، در اجرای تعهد غیرمدون برای رعایت این اصول عمل خواهد کرد. شرط مارتنس ممکن است بیان‌کننده حقوق عرفی، یک اصل کلی حقوقی یا حتی حقوق نرم^۱ باشد.^۲

به‌زعم مخبر کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص اصول کلی حقوقی، نخستین راه شکل‌گیری اصول کلی حقوقی در نظام بین‌المللی، حضور گسترده آن اصول در اسناد بین‌المللی است و برای نمونه به شرط مارتنس استناد می‌کند.^۳ محتوای شرط مارتنس، اصول بشریت و

1. Soft Law

2. Fleck, Op. cit., pp.253-264.

3. ILC, First report on general principles of law by Marcelo Vázquez-Bermúdez, Special Rapporteur, 2019, p.75.

ندای وجدان عمومی، که در معاهدات مختلف درج شده، بیانگر ارتباط خاص این شرط با حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی و توسعه تدریجی آن است. این امر فراتر از جایگاه عرفی شرط به معنای دقیق کلمه است، چراکه این موضوع، مسئله تدوین آن را برای رفع خلأهای معاهدات مختلف مطرح می‌کند. از آنجا که هدف اعلام‌شده شرط مارتنس تأثیر بر رفتار دولت‌ها برای رفع خلأها در حقوق بین‌الملل موجود است، نه تنها بر شناسایی قوانین از قبل موجود کمک می‌کند، به تفسیر و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل نیز یاری می‌رساند. در نهایت، می‌توان اذعان کرد که شرط مارتنس برای پیشبرد تلاش‌های حمایتی به‌منظور حفاظت از محیط‌زیست منبای حقوقی فراهم می‌کند که مطابق اصل ۲۴ و ۲۵ اعلامیه ریو و اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم، ثابت شده که در ایجاد اجماع جهانی حیاتی هستند و شاید به‌منزله انعکاسی از اصول کلی حقوقی که در انجام‌دادن مجموعه عملیات نظامی در مخاصمات مسلحانه اهمیت دارند، پذیرفته شوند.

در اولین گزارش مایک وود^۱، گزارشگر ویژه، درباره شکل‌گیری و ادله حقوق بین‌الملل عرفی، به شرط مارتنس به‌مثابه مقرره‌ای که بر اهمیت مداوم حقوق بین‌الملل عرفی تأکید می‌کند، اشاره شده است.^۲ رویه قضایی گسترده‌ای در این زمینه وجود دارد.^۳ دیوان بین‌المللی دادگستری، حیات ادامه‌دار، قابلیت اعمال و همچنین ماهیت عرفی شرط مارتنس را پذیرفته است.^۴

در فقد مقرره الزام‌آور حقوقی، اسناد حقوقی نرم ممکن است به تأیید مجدد، توسعه بیشتر اصول و قواعد موجود و حتی اجرای بهتر آن‌ها کمک کند.^۵ کار فعلی کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه حفاظت از محیط‌زیست در زمان مخاصمات مسلحانه مثال خوبی برای این امر ارائه می‌دهد. پیش‌نویس کمیسیون که در سال ۲۰۱۹ به تصویب رسید، عمدتاً از اصول کلی و مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حقوق محیط‌زیست و حقوق بشر و همچنین جنبه‌های مهم زیست‌محیطی سایر اسناد حقوق بین‌الملل سرچشمه گرفته است. قواعد جدید و جدیدتر از ندای وجدان عمومی ناشی می‌شود و مسئولیت خاصی برای حفظ محیط‌زیست طبیعی برای نسل‌های

1. Micheal Wood

2. Wood, Micheal, First Report on Formation and Evidence of Customary International Law, May 2013, para.35.

۳. دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ در قضیه کراپ، در دادرسی‌های تحت قانون شماره ۱۰ شورای کنترل متفقین در قضیه آیزناتس گروپن، و دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق در قضیه مارتیچ و کوپراسکیچ به این مهم اشاره کرده‌اند.

4. ICJ Reports, Op. cit., paras.78,260.

5. Fleck, Op. cit., p.263.

آینده برمی‌شمارد. در واقع، شرط مارتنس زیست‌محیطی در قالب اصل ۱۲ در پیش‌نویس طرح کمیسیون اضافه شد؛ بعد از اینکه هر دو گزارشگر ویژه قبلاً به این موضوع پرداخته بودند.^۱ تفسیر اصل ۱۲ حاکی از قابلیت اعمال آن در مخاصمات مسلحانه و در شرایط اشغال است. اصطلاح وجدان عمومی مفهوم برابری بین نسلی را همچون بخشی مهمی از مبنای اخلاقی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در بر می‌گیرد.^۲ شاید بتوان امیدوار بود که این اصل، تفاسیر پویا را تشویق کند و اقدامات مناسب از سوی دولت‌ها را برای غلبه بر وضعیت‌های نبود قطعیت در قوانین موجود به همراه بیاورد. به‌زعم کمیسیون، رجوع به ندای وجدان عمومی در چارچوب یک مفهوم کلی که ذاتاً به یک معنای خاص محدود نمی‌شود، کاربرد شرط مارتنس را با گنجاندن مفاهیم حقوق بشری در محیط‌زیست توجیه می‌کند. در این راستا، می‌توان به اهمیت حفاظت از محیط‌زیست، رشد و تثبیت قواعد بین‌المللی محیط‌زیست و به‌طور خاص درک تأثیرات زیست‌محیطی مخاصمات اشاره کرد.^۳ با وجود این، منبع حقوقی که فعل یا ترک فعل بر آن استوار است، در اینجا از اهمیت اساسی برخوردار نیست. حتی ماهیت الزام‌آور، یا در خصوص حقوق نرم، ماهیت به‌لحاظ سیاسی لازم‌الاجرای تعهد، اهمیت کمتری دارد؛ زیرا در عمل اصول بشریت و/یا ندای وجدان عمومی تعیین‌کننده خواهد بود.

۳. چالش‌های اعمال شرط زیست‌محیطی مارتنس در مخاصمات مسلحانه و راه‌های پیشنهادی

هرچند استدلال‌هایی که دکترین و نهادهای بین‌المللی دربارهٔ سهم احتمالی شرط مارتنس برای رفع ابهامات و خلأهای حقوقی در خصوص حفاظت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه مطرح می‌کنند، قانع‌کننده است، به جلوه‌های روشن و دقیق شرط مارتنس، به‌ویژه ندای وجدان عمومی برای برآوردن اصول قطعیت حقوقی و قانونمندی هیچ اشاره‌ای نمی‌کنند. برای اینکه قواعد مندرج در شرط مارتنس به شکلی معتبر اعمال شوند، باید از اصول فوق‌متابعت کنند. اگر قرار باشد تعهدات حقوقی الزام‌آور برای میدان نبرد ایجاد شود، باید محتوای هر قاعده‌ای که از

1. ILC, Second Report of the Special Rapporteur on the Protection of the Environment in Relation to Armed Conflicts by M. G. Jacobsson, May 2015, para. 146; ILC, Second Report of the Special Rapporteur on Protection of the Environment in Relation to Armed Conflicts by Marja Lehto, March 2019, paras. 173-184.

2. Ibid, para. 8.

3. ILC Report, A/72/10, 2017, p. 249.

طریق آن مشخص شده، لزوماً روشن باشد. هشدارهای کرافورد در برابر تلاش برای اجرای قواعد نامشخص شرط مارتنس درخور توجه است؛ همان‌گونه که اظهار کرد: «هر قانونی، به‌ویژه قواعد مربوط به مخاصمات مسلحانه، باید میزان چشمگیری از قابلیت پیش‌بینی در تفسیر و کاربری را حفظ کند و میدان نبرد، جایی برای قوانین مبهم و نامشخص نیست.»^۱

برای اینکه اشخاص یا گروه‌ها به قانون پایبند باشند، باید بدانند که قانون قبل از انجام‌دادن عمل آن‌ها، چگونه ممکن است باشد. شرط مارتنس و اصول مندرج در آن برای نائل شدن به این هدف باید پیش‌بینی‌شدنی، روشن و معین باشد؛ اگر این‌گونه نباشد، شرط مارتنس باعث می‌شود افراد از معیارهای مبهم پیروی کنند. این امر اصل قطعیت حقوقی را نقض می‌کند. همچنین، کیفرها و مجازاتی بدون قوانین روشن تحمیل می‌کند که باعث نقض اصل قانونمندی جرائم و مجازات می‌شود.

شرط جدید زیست محیطی مارتنس مندرج در اصل ۱۲ پیش‌نویس کمیسیون، نه تنها نمی‌تواند ماهیت دقیق حفاظت از محیط‌زیست را مشخص کند، مشخص هم نیست که چگونه این شرط باید با اصل ذهنی ضرورت نظامی متعادل شود؛ چراکه حفاظت از محیط‌زیست معمولاً با ایجاد تعادل بین آسیب‌های زیست محیطی و ضرورت‌های نظامی محقق می‌شود.

نقص و ضعف اساسی شرط جدید مارتنس، شیوه بیان و سیاق نگارش تعریف‌نشده آن است که صرفاً با گنجاندن محیط‌زیست، برطرف نخواهد شد. بنابراین، با وجود پتانسیل شرط مارتنس برای حفاظت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه، قادر به ارائه قواعد حقوقی روشن برای جلوگیری از شکاف نیست و اتکا به چنین استدلال‌هایی می‌تواند مانع از تدوین قواعد محتاطانه برای پاسخ به این مسائل شود. لذا، تصدیق وجود قواعد قانوناً الزام‌آور شرط مارتنس بر اساس ندای وجدان عمومی بسیار مشکل است. در صورت فقدان راهنمایی‌های معتبر در خصوص چگونگی اثبات وجدان عمومی، ایمان کور به پتانسیل شرط مارتنس برای حمایت از حقوق افراد، کار عظیم و دشوار پیش از قانون‌گذاری واقعی را طولانی می‌کند.

حقوق، یک چیز زنده است، نه سخت و تغییرناپذیر. هدف آن خدمت به بشریت است و برای رفع نیازهای متغیر جامعه باید تغییر و رشد کند. در این زمینه، باید به پیشنهادی از کاسسه اشاره

1. Crawford, Emily, "The Modern Relevance of the Martens Clause", *ISIL Yearbook of International Humanitarian and Refugee Law*, Vol.6, 2006, p.17.

کرد که افزودن محتوا (گوشت) به اسکلت (شرط مارتنس) به نگارش مبهم و فرار آن، می‌تواند ارزشمند باشد. از نظر کاسسه، کارکرد اصلی شرط مارتنس هموارکردن راه ایجاد قواعد عرفی جدید است. به‌زعم وی، «هر زمان که درباره‌ی ندای وجدان عمومی بحث می‌شود، نبود یک رویه‌ی مداوم و متحدالشکل دولت را می‌توان با اعتقاد حقوقی قوی جبران کرد.»^۱ اگر وجدان عمومی جنبه‌ی زیست‌محیطی داشته باشد، این آستانه‌ی پایین می‌تواند ایجاد هنجارهای خاص از طریق قواعد بین‌المللی عرفی را تسهیل کند و جنبه‌ی زیست‌محیطی مبهم شرط مارتنس را با حیات برطرف سازد. تا زمانی که محتوای خاص یک وجدان زیست‌محیطی به اندازه‌ی کافی تثبیت و مستقر نشود، شرط مارتنس زیست‌محیطی کم‌اهمیت و در حاشیه باقی خواهد ماند.

به همان اندازه که توسل به شرط مارتنس به‌مثابه راه‌حل ممکن برای موقعیت‌های حقوقی نامشخص و سوسه‌انگیز است، بد نیست به‌جای اتکا به شرط مارتنس به‌مثابه منبع هنجاری، خلأهای آشکار حقوق بین‌الملل بشردوستانه با معاهدات خاص رفع شود. تلقی شرط مارتنس به‌منزله‌ی منبع مستقل در کنار ماده‌ی ۳۸ اساسنامه‌ی دیوان بین‌المللی دادگستری، با درک سنتی چگونگی ایجاد حقوق بین‌الملل و آنچه می‌توان منبع حقوقی تحت ماده‌ی ۳۸ اساسنامه‌ی دیوان قلمداد کرد، در تضاد است. با این حال، تا زمانی که اصول مندرج در شرط مارتنس در قالب معاهده پذیرفته نشود، شرط مارتنس اولویت و اهمیت خود را حفظ و دست‌کم تضمین می‌کند که تصمیم‌گیرندگان، اعم از دولتی و نظامی، کاملاً آزاد نیستند تمایلات سیاسی، مسیر عمل آن‌ها را تعیین کند. در نهایت، قدرت پایدار شرط مارتنس به‌مثابه راهنمای هرمنوتیک، در محتوای تا حدودی نامشخص آن نهفته است؛ همان‌گونه که دیوان در نظر مشورتی سلاح‌های هسته‌ای خاطر نشان کرد که ماهیت «انعطاف‌پذیر تفسیری شرط مارتنس آن را وسیله‌ای مؤثر برای پرداختن به تکامل سریع فناوری نظامی تبدیل می‌کند» که قادر به پاسخ‌گویی به خواسته‌هایی است که ضروریات نظامی در حال تغییر بر حقوق اعمال می‌کند، بدون اینکه متوسل به خلق معاهدات جدید شویم.^۲ بنابراین، شرط مارتنس امروزه حتی بیشتر از قبل اهمیت و کارایی خود را در حقوق مختاصات مسلحانه حفظ کرده است.

1. Cassese, Op. cit., p.214.

2. *Case concerning Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, ICJ Reports, 1996.*, paras.78-87.

نتیجه‌گیری

به‌طور خلاصه، مبنای حقوقی بین‌المللی موجود برای حفاظت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه کافی نیست. آستانه بالای اعمال قوانین خاص حقوق بین‌الملل بشردوستانه برای حفاظت از محیط‌زیست و ایجاد تعادل بین ضرورت نظامی و آسیب زیست‌محیطی، حفاظت کافی از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه را بسیار دشوار می‌کند. با توجه به پیچیدگی و ویران‌کنندگی بیشتر سلاح‌ها و تاکتیک‌های جنگی، نگاه دقیق‌تر به قوانین موجود حفاظت از محیط‌زیست در درگیری‌های مسلحانه ضروری است. در کنار تغییر رویه دولت‌ها و تمرکز بر پیش‌نویس ۲۰۱۹ کمیسیون حقوق بین‌الملل (اصول مربوط به حفاظت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه) یا شناسایی جنایات زیست‌محیطی در چارچوب جرم اکوساید، توافق بر سر استفاده از شرط مارتنس به‌ویژه اصول مقوم آن، بشریت و وجدان عمومی برای حفاظت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه، می‌تواند راهکار مناسبی باشد.

بدون شک، درج شرط مارتنس در اسناد حقوق بین‌الملل بشردوستانه مدرن و به‌ویژه طرح ۲۰۱۹ کمیسیون حقوق بین‌الملل، نشانگر حمایت‌های مستمر و گسترده از آن است. این شرط بیانیه‌ای از اصول بنیادین است که از قدرت اقتناعی قوی نه‌تنها بر رفتار دولت‌ها، در انعقاد معاهدات برای ممنوعیت برخی اعمال و سلاح‌های پیش‌بینی‌نشده نیز برخوردار است. مقدمه‌ای بر حقوق بین‌الملل محیط‌زیست از طریق شرط مارتنس، روشی برای در نظر گرفتن بشریت، خارج از انگیزه‌های بشردوستانه به دست نمی‌دهد. با وجود اینکه این شرط برای غلبه بر اختلافات در کنفرانس‌های صلح لاهه طراحی شد، اکنون نه‌تنها منبع بسیاری از مطالبات و پندارها شده است، با ارزیابی تحولات جدید حقوق بین‌الملل، به شناسایی و توسعه فزاینده اصول و قواعد موجود در زمینه حفاظت از محیط‌زیست هنگام مخاصمات مسلحانه و حمایت از اجرای آن‌ها نیز کمک می‌کند. این شرط در وضعیت‌های ابهام، سکوت و خلأ در حقوق معاهده‌ای موجود اعمال می‌شود. در اینجا، به‌مانند هر مسیر دیگری از حیات، آنچه در نهایت اهمیت دارد تأثیر کلی است که هر بنای قانونی ممکن است بدون در نظر گرفتن اهداف خالقان یا مدافعان آن، ایجاد کند. می‌توان تا آنجا پیش رفت که با لحن هگل استدلال کنیم: آنچه مهم است، عمل ترفند عقل^۱ است که شاید از افراد به‌مثابه ابزاری صرف برای ساختن مهم‌ترین عمارت‌های تاریخ

1. List der Vernunft

استفاده کند. با وجود این، نمی‌توان انکار کرد که پیشرفت در جامعه ممکن است گاهی اوقات مسیرهای عجیب و غریب و اسرارآمیزی را طی کند. اما آنچه زیاد اهمیت و ارزش دارد، این نیست که چگونه این پیشرفت‌ها صورت گرفته، بلکه آن چیزی است که ساخته شده است.

مظاهر شرط مارتنس در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، موجد شکل‌گیری تحولات جدید است و فرایندهایی را به صورت منعطف در مسیر دستیابی به دنیای بهتر و انسانی‌تر ایجاد می‌کند که بسیار درخور تأمل است؛ لذا از ارزیابی جدی این ظرفیت‌ها نباید غافل ماند. حمایت مؤثر از محیط‌زیست در پرتو مسئولیت در قبال نسل‌های آینده بخشی از درک مدرن ندای وجدان عمومی است که می‌تواند راهنماهای موقت، اما قانوناً الزام‌آور را در قلمروهای حقوقی نامشخص و حل‌نشده فراهم کند؛ با تضمین این امر که خلاً در حقوق موضوعه عذر و بهانه‌ای مناسب برای اعمال غیراخلاقی و غیرانسانی حتی در زمان جنگ علیه محیط‌زیست نخواهد بود.

تاریخ به ما یادآوری می‌کند که هدف شرط مارتنس پایان‌دادن به بحث نیست، بلکه جلوگیری از بدترین عواقبی است که با فرض آزادی عمل و بدون قید و شرط در فقد قاعدهٔ معاهده‌ای، ممکن است برای جمعیت غیرنظامی و مخاصمان به‌طور خاص و بشریت به‌طور عام رخ دهد. از این رو، کاملاً مناسب است شرط مارتنس برای حل مسائل نبود قطعیت و خلاً حمایت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه به کار گرفته شود. بنابراین، این شرط نه تنها بر همهٔ حقوق و تعهدات در حقوق بین‌الملل بشردوستانه اعمال‌شدنی است، همهٔ طرف‌های درگیری مسلحانه را نیز به چالش می‌کشد تا با بازبینی در مفاد معاهدات و قواعد عرفی مربوطه و همچنین با توجه به اصول کلی حقوقی، خلاًهای قانونی ناشی از نبود قطعیت در حقوق معاهدات را رفع کنند. درج شرط زیست‌محیطی مارتنس از سوی کمیسیون حقوق بین‌الملل در اصل ۱۲ پیش‌نویس اصول مربوط به حفاظت از محیط‌زیست در درگیری مسلحانه، تأکیدی بر نقش و کاربست‌های آن است که می‌تواند به حفاظت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه منجر شود.

پیامدهای شناسایی اصول الزام‌آور مندرج در شرط مارتنس می‌تواند عصر جدیدی را برای توسعهٔ حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به‌طور کلی رقم زند. در این صورت، ارادهٔ دولت‌ها به‌تنهایی دیگر تنها نیروی خلاق مقررات الزام‌آور حقوق بین‌الملل نخواهد بود. در واقع، اصول مندرج در شرط مارتنس را می‌توان در سایر حوزه‌های حقوق بین‌الملل پذیرفت؛ جایی که توسعهٔ آهستهٔ حقوق به‌سادگی نمی‌تواند با رفتارها و پیامدهای ناخواسته همگام شود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب‌ها

۱. الیزابت ماروما مرما، کارل براش و جوردن دایاموند، *حمایت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق بین‌الملل*، ترجمه سیدعلی حسینی آزاد و مهرداد محمدی، انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۳.
۲. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه*، تهران، کتابخانه گنج دانش با همکاری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ۱۳۹۲.

مقالات

۳. دهقانی، پریسا و محمدحسین رضانی قوام‌آبادی و محمدرضا علی‌پور، «مدخل‌های ورود و کارکردهای شرط مارتنس در حقوق بین‌الملل کیفری»، *مجله پژوهش حقوق کیفری*، شماره ۳۵، ۱۴۰۰، صص ۲۱۷-۲۵۰.
۴. راعی‌دهقی، هاجر و جواد نجفی، «حفاظت از محیط‌زیست در قبال خسارات ناشی از درگیری مسلحانه»، *فصلنامه علوم محیطی*، دوره چهاردهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۵، صص ۱۳۹-۱۵۳.

ب) منابع لاتین

Books

5. Al-Duaij, Nada, *Environmental Law of Armed Conflict*, Transnational Publishers, New York, 2004.
6. Austin, Jay & Carl Bruch (eds.), *The Environmental Consequences of War: Legal, Economic, and Scientific Perspectives*, Cambridge, 2000.
7. Henckaerts, J.M & D. Constantin, 'Protection of the Natural Environment', in A. Clapham & P. Gaeta (eds), *The Oxford Handbook of International Law in Armed Conflict*, 2014.
8. Plant, Glen, *Environmental Protection and the Law of War: A 'Fifth Geneva' Convention on the Protection of the Environment in Time of Armed Conflict*, Belhaven Press, London, 1992.

9. Sands, Philippe, *Principles of International Environmental Law*, 2nd edition, Cambridge University Press, 2003.
10. Sjustedt, B, *Protecting the Environment in Relation to Armed Conflict, The Role of Multilateral Environmental Agreements*, Lund University, 2016.
11. Vöneky, Silja, *The Applicability of Peacetime Environmental Law in International Armed Conflicts*, Springer, Berlin, 2001.

Articles

12. Bustami, Ammar; & Marie-Christine Hecken, “Perspectives for a New International Crime Against the Environment”, *Goettingen Journal of International Law*, Vol.11, 2021, pp.145-189.
13. Cassese, Antonio, “The Martens Clause: Half a Load or Simply Pie in the Sky?”, *European Journal of International Law*, Vol.11(1), 2000, pp.187-216.
14. Crawford, Emily, “The Modern Relevance of the Martens Clause”, *ISIL Yearbook of International Humanitarian and Refugee Law*, Vol.6, 2006, pp.1-18.
15. Fleck, Dieter, “The Martens Clause and Environmental Protection in Relation to Armed Conflicts”, *Goettingen Journal of International Law*, Vol.10, 2020, pp.243-266.
16. Hulme, K, “Taking Care to Protect the Environment against Damage: A Meaningless Obligation?”, *International Review of the Red Cross*, Vol.9, 2010, pp.675-691.
17. Hulme, Karen, “Armed Conflict, Wanton Ecological Devastation and Scorched Earth Policies”, *Journal of Armed Conflict Law*, Vol.2, 1997, pp.45-81.
18. Smith, Tara, “Challenges in identifying binding Martens Clause Rules from the ‘Dictates of the Public Conscience’ to Protect the Environment in Non-international Armed Conflict”, *Transnational Legal Theory*, 2019, pp.1-18.
19. Tarasofsky, Richard, “Legal Protection of the Environment During International Armed Conflict”, *Netherlands Yearbook of International Law*, Vol. 24, 1993, pp.17-79.
20. Vincze, Viola, “The Role of Customary Principles of International Humanitarian Law in Environmental Protection”, *Pécs Journal of International and European Law*, Vol.2, 2017, pp.19-39.

21. Von Bernstorff, Jochen, “Martens Clause” in: *Max Planck Encyclopedia of Public International Law*, 2009.

ج) اسناد و رویه قضایی

22. Convention on the Prohibition of Military or any Hostile Use of Environmental Modification Techniques (ENMOD Convention), 1976.
23. Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment (Stockholm Declaration), 1972.
24. ICRC commentary (1987) to Additional Protocol I.
25. ICRC commentary to the Geneva Convention I, 2016.
26. ICRC, ‘Protection of the Environment in Time of Armed Conflict: Report Submitted by the ICRC to the 48th Session of the United Nations General Assembly’, 1993.
27. ILC Report, A/72/10, 2017.
28. ILC, Report of the International Law Commission on the Work of the Seventy-First Session, August 2019.
29. ILC, Second Report of the Special Rapporteur on Protection of the Environment in Relation to Armed Conflicts by Marja Lehto, March 2019.
30. ILC, Second Report of the Special Rapporteur on the Protection of the Environment in Relation to Armed Conflicts by M. G. Jacobsson, May 2015.
31. International Union for Conservation of Nature, A Marten’s Clause for environmental protection, World Conservation Congress, October 2001, Resolution 2.97.
32. Legality of the Use or Threat of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, ICJ Reports, 1996.
33. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and Relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I), 8 June 1977.
34. Rome Statute of the International Criminal Court, 17 July 1998.
35. Wood, Micheal, First Report on Formation and Evidence of Customary International Law, May 2013.
36. World Charter of Nature, 1982.
37. Yearbook of international law commission, 1994, Vol.II; YILC, 2008, Vol.II.

